



دانشگاه گوارزی و منابع طبیعی

نشریه کارآفرینی در کشاورزی
جلد اول، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۳
<http://jead.gau.ac.ir>

برنامه‌های آموزش کارآفرینی در حوزه کشاورزی: موانع، مشکلات و راه‌حل‌ها

رضا موحدی^۱، *مسعود سامیان^۲ و خدیجه حیدری ترازک^۳

^۱دانشیار، گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان،

^۲دانشجوی دکتری ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان،

^۳دانش‌آموخته کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۰/۱۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۱۵

چکیده

یکی از راهکارهای پیشنهادی برای کاهش بیکاری، توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه در بخش کشاورزی به‌عنوان یکی از بخش‌های کلیدی اقتصاد کشور است. شواهد نشان می‌دهند که آموزش‌های رسمی در کشور ما به‌دلیل ضعف‌های ساختاری بستر مناسبی برای کسب تخصص و پرورش نیروهای کارآفرین به‌وجود نمی‌آورد. از طرف دیگر کارآفرینان و نیروهای مستعد و خلاق نیز به‌دلیل نبود یک نظام کارآمد آموزش کارآفرینی نمی‌توانند به‌کار خود ادامه دهند. پر کردن این شکاف نیازمند پرداختن به آموزش کارآفرینی است. کارآفرینی کشاورزی به‌عنوان یک رویکرد اساسی و موازی با اهداف توسعه روستایی و کشاورزی می‌تواند کمک شایانی به توسعه و پیشرفت روستاها و در نتیجه کشور بنماید. به‌همین خاطر در این مقاله سعی شده است تا با روش تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای به ضرورت و اهمیت توجه به آموزش کارآفرینی در بخش کشاورزی و مشکلات و راه‌حل‌های آموزش کارآفرینی پرداخته شود. در نهایت بر اساس نتایج این مقاله راه‌حل‌هایی برای رفع آن مشکلات هم به‌صورت برنامه‌های بلندمدت و هم به‌صورت برنامه‌های کوتاه‌مدت فنی و حرفه‌ای در زمینه کشاورزی پیشنهاد شده است.

واژه‌های کلیدی: موانع کارآفرینی، کارآفرینی کشاورزی، آموزش کارآفرینی، توسعه کشاورزی

*مسئول مکاتبه: samian.masoud@yahoo.com

مقدمه

کارآفرینی با ایجاد فرصت‌های شغلی و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش زمینه‌ای اساسی برای ارتقای سطح توسعه جامعه است. علاوه بر این نوآوری که از مشخصه‌های اساسی کارآفرینی است منجر به تولید محصولات جدید و ارائه خدمات جدیدتر و متنوع‌تر شده و به این ترتیب قدرت انتخاب مردم افزایش یافته و زندگی ساده‌تر می‌شود (سعیدی‌کیا، ۲۰۰۷). در دهه گذشته به دلیل کاهش محصولات کشاورزی و تمایل به مهاجرت به مناطق حاشیه‌ای، علاقه به مناطق روستایی افزایش پیدا کرده است. توسعه روستایی تا حد زیادی وابسته به کارآفرینی است که به‌عنوان یک نیروی مرکزی برای رشد اقتصادی و توسعه مطرح می‌باشد. بی‌گمان چنانچه قرار باشد در یک منطقه روستایی مسیر رو به رشدی جهت توسعه در پیش گرفته شود و کلیه مراتب و مراحل آن با سرعت پشت سر نهاده شود باید همه امکانات و عوامل ملی و محلی آن منطقه بسیج گردیده تا هم با صرف کمترین هزینه و هم در ابعاد گسترده‌تر بتواند از همه مواهب و نتایج آن منتفع گردند. در این راستا کارآفرینی کشاورزی به‌عنوان یک رویکرد اساسی و موازی با اهداف توسعه روستایی می‌تواند کمک شایانی به این امر بنماید (طاهرخانی، ۲۰۰۰).

از جمله اقدامات راهبردی برای رشد و توسعه کارآفرینی، آموزش کارآفرینی به‌ویژه در حوزه آموزش عالی است. افزون بر آن آموزش کارآفرینی می‌تواند یکی از اثرگذارترین شیوه‌ها برای انتقال آسان جمعیت فارغ‌التحصیلان به بازار کار باشد. مطالعات در این باره نشان داده است که چنین آموزش‌هایی توانسته افراد را مسئولیت‌پذیرتر بارآورده و آن‌ها را تبدیل به کارآفرین یا متفکران حوزه کارآفرینی کرده و به‌طور موفقیت‌آمیزی در چالش‌های کسب و کار، موفق و خطرپذیر کند، در نتیجه نرخ بیکاری و شکست کسب و کارها نیز کم‌تر شده است (آراستی و همکاران، ۲۰۱۱). از مهمترین اقدامات برای توسعه کارآفرینی در کشور، تشکیل شورای مرکزی کارآفرینی در سطح هیئت دولت است و با توجه به ماهیت فرهنگی، پژوهشی و آموزشی این امر، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری به‌عنوان متولی مدیریت و سازماندهی کارآفرینی به‌عنوان رئیس این شورا تعیین شده است. در این راستا فعالیت‌های مختلفی در جهت توسعه کارآفرینی در وزارتخانه‌های مختلف (وزارت کار و اموراجتماعی و یا وزارت تعاون) آغاز و معاونت‌ها و یا دفاتر کارآفرینی در وزارتخانه‌های مختلف تشکیل شده است. در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری نیز طرح کاراد (کارآفرینی دانشجویان) از چند سال پیش شکل گرفته است. دبیرخانه طرح کاراد قبلا در سازمان سنجش کشور مستقر بود که هم

اکنون در سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران قرار دارد. بر این اساس در دانشگاه‌های کشور به‌منظور تربیت متخصصان شایسته و ایجاد توانایی کارآفرینی، در بیش از ۴۲ دانشگاه، مرکز کارآفرینی راه‌اندازی شده است و سیاست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بر این است که حتی دانشگاه‌های غیرانتفاعی نیز دارای مراکز کارآفرینی شوند تا سیستم آموزشی را یاری کنند. یکی از چالش‌های پیش روی جوامع مختلف، دانش‌آموختگان فاقد توانایی‌های فردی و مهارت‌های لازم برای راه‌اندازی کسب و کار مناسب است. این امر، آماده‌سازی فارغ‌التحصیلان دانشگاهی را به‌وسیله توسعه فرهنگ کارآفرینی در آنان مسلم می‌سازد.

آماده‌سازی در مورد کارآفرینی نبایستی بعد از فارغ‌التحصیلی باشد. بلکه این امر بایستی در حین تحصیل انجام شود و لازم است روح کارآفرینی در دانشگاه‌ها پرورش داده شود. در این راستا، بازنگری در رشته‌های دانشگاهی و سرفصل‌های دروس آموزشی در تمامی مقاطع به‌ویژه در دانشگاه‌ها و تأسیس رشته‌های علمی به‌ویژه علمی که خلاء آن‌ها در کشور محسوس است در جهت تأمین منافع ملی امری لازم و ضروری به‌نظر می‌آید (آراستی و همکاران، ۲۰۱۱). با توجه به‌اهمیت آموزش کارآفرینی و شناسایی موانع موجود در آن و شناخت راه‌حل‌های رفع این مشکلات برای دانشجویان در جامعه امروزی و مشکلاتی که در آموزش مطالب کارآفرینی وجود دارد این تحقیق به‌دنبال بررسی کتابخانه‌ای مشکلات آموزش کارآفرینی در نظام آموزش کشاورزی و راه‌حل‌های موجود برای رفع آن می‌باشد. در این مقاله از روش‌ها و ابزار جمع‌آوری اطلاعات به شیوه تحقیقات و مطالعات کتابخانه‌ای، مروری گسترده در اینترنت و تارنماهای اینترنتی معتبر داخلی و خارجی و داده‌های ثانویه استفاده شده است. در این راستا ابتدا مروری بر مشکلات اساسی و آینده آموزش کارآفرینی گرفته است. سپس دلایل ناکارآمدی نظام آموزشی در زمینه توسعه و تقویت کارآفرینی و پیشنهادهایی سازنده در این خصوص ذکر شده است.

مشکلات اساسی برنامه‌های آموزش کارآفرینی: سازمان بین‌المللی کار^۱ (۲۰۰۶)، عدم وجود روش‌های آموزشی مناسب در برنامه‌های آموزش کارآفرینی را یکی از مشکلات اساسی این برنامه‌ها می‌داند. به‌علاوه در بررسی‌های این سازمان در کشورهای مختلف، موارد زیر به‌عنوان محدودیت‌های آموزش کارآفرینی شناسایی شده است:

1- ILO

فقدان درک عمومی نسبت به آموزش کارآفرینی: در بسیاری از کشورها، درک عمومی نسبت به اهمیت آموزش کارآفرینی وجود نداشته و آموزش کارآفرینی به آسانی پذیرفته نمی‌شود. به همین دلیل در سطوح مختلف آموزش ابتدایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای و آموزش عالی، این نوع آموزش‌ها چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

برنامه‌های آموزشی نامناسب: عدم تلفیق آموزش مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای کارآفرینی در برنامه‌های نظام‌های آموزشی، یکی دیگر از محدودیت‌های آموزش کارآفرینی در بسیاری از کشورها است. به گونه‌ای که در برنامه‌های آموزشی به مفاهیمی از قبیل تفکر و عمل مستقل، ریسک‌پذیری و اتکاء به نفس به‌عنوان قابلیت‌های کارآفرینی توجه نمی‌شود. بر همین اساس نظام‌های آموزشی، افراد را برای کار در مشاغل دولتی و سازمان‌های بزرگ آماده می‌نمایند، نه برای راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه. در دانشگاه‌ها نیز برنامه‌های آموزشی به اندازه کافی از عناصر کارآفرینی برخوردار نیست. از این رو دانش‌آموختگان آن‌ها نه از نظر انگیزه و نه از لحاظ مهارت و توانمندی، توانایی راه‌اندازی کسب و کارهای کارآفرینانه را ندارند.

روش‌های آموزشی نادرست: عدم وجود روش‌های آموزشی عملی و تجربی و فعالیت‌های گروهی، یکی از مشخصات بارز اکثر نظام‌های آموزشی در بسیاری از کشورهاست. از این رو آموزش‌ها، توانایی ایجاد قابلیت‌های موردنیاز کارآفرینی را در مخاطبین خود ندارند.

کمبود مربیان آموزش دیده: مربیان و استادان دانشگاه‌ها تجربه اندکی در کسب و کارهای کوچک و خود اشتغالی داشته و از طرفی آموزش‌های موردنیاز برای تدریس مهارت‌های کارآفرینی به افراد را نیز فرا نگرفته‌اند.

کمبود اطلاعات شغلی: محیط‌های آموزشی معمولاً مفاهیم کارآفرینی و خود اشتغالی را به‌عنوان یک انتخاب شغلی، به‌خوبی برای فراگیران معرفی نمی‌کنند. همچنین ابزارها و منابع اطلاعاتی مورد نیاز نیز به آسانی در اختیار مخاطبین برنامه‌های آموزش کارآفرینی قرار نمی‌گیرد.

ضعف ارتباط بین آموزش و محیط‌های کسب و کار: از دیگر محدودیت‌های آموزش کارآفرینی، ضعف ارتباط نظام‌های آموزشی و محیط‌های کسب و کار است. در این زمینه همکاری مؤسسات آموزشی با صنایع و واحدهای تولیدی و نیز تلفیق یادگیری کلاسی با تجارب شغلی بسیار مؤثر خواهد بود.

بی‌توجهی اطرافیان (والدین و اعضاء خانواده): اعضاء خانواده‌ها و اطرافیان نقش زیادی در شکل‌دهی رفتارهای کارآفرینانه افراد دارند. از این‌رو آگاه‌سازی اعضاء خانواده‌ها به‌منظور ارتقاء فرهنگ کارآفرینی در بین افراد بسیار ضروری است.

ضعف زیرساخت‌های فناوری اطلاعات: در بسیاری از کشورها به‌دلیل مشکلات مالی، معمولاً زیرساخت‌های فناوری اطلاعات به درستی فراهم نشده و کارآفرینان از فرصت‌های موجود نمی‌توانند به نحو شایسته‌ای بهره‌گیری نمایند. علاوه‌بر تأمین زیرساخت‌های فناوری اطلاعات، آموزش نحوه استفاده از آن‌ها نیز برای توسعه کارآفرینی بسیار حائز اهمیت است (موحدی و یعقوبی، ۲۰۱۲).

دلایل ناکارآمدی نظام آموزشی کشور در زمینه توسعه کارآفرینی

ساختار کلان مدیریت نظام آموزشی کشور با رعایت تمرکز شدید سازمانی، ساختارهای سنتی و بوروکراتیک و عدم امکان بروز خلاقیت و نوآوری، زمینه کمتری را برای تحقق اهداف کارآفرینی فراهم می‌سازد. در نظام آموزشی متمرکز تراکم قدرت تصمیم‌گیری در بخش دولتی و آن هم در سطوح بالایی هرم سازمانی، موجب کاهش مشارکت مدیران مدارس، معلمان، والدین و دانش‌آموزان می‌شود. تمرکز در آموزش کاستی‌های متعددی را سبب می‌شود که مهم‌ترین آن از دست دادن فرصت رشد خلاقیت، نوآوری و در نتیجه کارآفرینی در عرصه‌های مختلف نظام آموزشی است (حسن‌مرادی، ۲۰۰۴).

در سیستم آموزشی ما سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان آموزشی برای تمامی افراد یک برنامه آموزشی را تدوین و از معلم می‌خواهند تا مطابق این الگو و در چارچوب کتاب درسی عمل کند. بنابراین نوع آموزش ما از پیش تعیین شده است و برنامه‌های آموزشی برای همه از خلاق و غیرخلاق، از ریسک‌پذیر و غیر ریسک‌پذیر یکسان می‌باشد. در نتیجه ممکن است کارآفرینان در مورد توانایی‌های خود تردید کنند و یا باعث سرکوب توانایی‌های در آن‌ها بشود. عدم توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان باعث عدم رشد خلاقیت، نوآوری و در نتیجه کارآفرینی در افراد می‌شود. در حالی‌که این واقعیت را باید در نظر گرفت که هر دانش‌آموز در عین حال که در برخی موارد با سایر دانش‌آموزان اشتراکاتی دارد، دارای استعداد و علایق منحصر به‌فرد ویژه خود می‌باشد و باید متناسب با توانایی‌ها و استعدادهای خویش رشد کند.

در نظام آموزشی ما تقویت محفوظات و ارزیابی از آموخته‌های دانش‌آموزان مبنای می‌باشد و از نظر سطح آموزش بیشتر به طبقات دانش و درک و فهم در حیطه شناختی توجه می‌گردد (میر کمالی و خورشیدی، ۲۰۰۸).

روانشناسان می‌گویند بیشتر کودکان زیر ۵ سال ایرانی خلاق‌اند ولی فقط تعداد کمی از آن‌ها بعد از ۵ سالگی خلاقیت‌شان را حفظ می‌کنند. این به معنای آن است که نحوه آموزش و پرورش کودکان ما صحیح نیست. ما در خانه و مدرسه ذهن کودکانمان را با اطلاعات از پیش تعیین شده پر می‌کنیم و این رویه را تا پایان دوران مدرسه ادامه می‌دهیم. به این ترتیب کودکان و نوجوانان ما توانایی کشف، اختراع، استنتاج و نیز قوه خلاقیت‌شان را از دست می‌دهند. در واقع شکل آموزش و پرورش ما از لحظه تولد کودک با توانمندی‌های او و امکانات بالقوه کشور مطابقت ندارد. به این ترتیب نمی‌توانیم چنان که باید افراد کارآفرین پرورش دهیم (احمدیان‌راد، ۲۰۰۷).

به دلیل عدم فرهنگ‌سازی و ترویج روحیه و رفتار کارآفرینی از سطوح پایین نظام آموزشی، امکان اشتغال پس از آموزش متوسطه برای دانش‌آموختگان نظام آموزشی فراهم نشده و منجر به بیکاری و تقاضای کاذب و روزافزون برای ورود به آموزش عالی شده است. در واقع بخش قابل توجهی از این تقاضا برای فرار از بیکاری سطوح پایین‌تر نظام آموزشی می‌باشد. ولی از آنجا که نظام آموزش عالی نیز با مشکلاتی نظیر نظام آموزش عمومی مواجه است، این نظام نتوانسته از میزان مشکلات بکاهد و تنها بیکاری ایجاد شده را به تأخیر می‌اندازد. آموزش کارآفرینی و ترویج روحیه کارآفرینی از سطوح پایین نظام آموزشی این امکان را به وجود خواهد آورد تا در جامعه افرادی خلاق و کارآفرین پرورش یابند و آن‌ها امکان خود اشتغالی خویش را فراهم کنند.

عدم فرهنگ‌سازی در زمینه آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش در جامعه موجب شکل‌گیری تصورات اشتباه درباره کم‌اهمیتی و کم‌ارزشی رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار و دانش شده است. تا زمانی که به این رشته‌ها به‌عنوان شانس مجدد در قبال افت تحصیلی در دوران دبیرستان نگریسته شود نمی‌توان انتظار داشت این‌گونه آموزش‌ها مورد توجه و استقبال افراد جامعه قرار گیرد و به حل مشکل بیکاری در جامعه کمک کنند. از طریق فرهنگ‌سازی و بهاء دادن به آموزش فنی و حرفه‌ای و کار و دانش به‌عنوان راهکاری برای اشتغال زودرس می‌توان به رفع مشکل بیکاری و اصلاح روند تقاضا برای آموزش عالی کمک کرد.

نبود خلاقیت و نوآوری به دلیل عدم تجانس نظام آموزشی با نیازهای واقعی اجتماعی به سبب نظام آموزشی وارداتی و تقلیدی بدون انجام مطالعات تطبیقی و بومی‌سازی باعث شده است که کشور ما از داشتن نیروی انسانی کارآفرین محروم باشد. در واقع آنچه در محیط‌های آموزشی به افراد آموزش داده می‌شود، نه تنها مشکلی را از جامعه برطرف نمی‌کند بلکه خود به نوعی بر مشکلات این جامعه می‌افزاید.

در همین زمینه به‌عنوان مثال در بخش کشاورزی "رونه دومونت" جامعه‌شناس معروف می‌گوید: آموزش در کشورهای توسعه نیافته، به تقلید از غرب، در شرایطی کاملاً متفاوت به‌کار رفته و همین امر موجب کند شدن توسعه کشاورزی در این کشورها شده است، زیرا که بهترین فرزندان روستائیان زراعت را رها کرده و به شهرها مهاجرت کرده‌اند. لذا کشاورزی نمی‌تواند نیروی کار آموزش دیده لازم برای مدرنیزه کردن خود بیابد (اصغری، ۲۰۰۶).

پیشنهادهایی درباره نحوه آموزش کارآفرینی

تدوین اهداف درسی مناسب در زمینه کارآفرینی: از آنجایی که مؤلفه‌های برنامه درسی نقش بسزایی در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان دارد، لذا هر دوره آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها باید برخی از اهداف زیر را به‌منظور ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان و پرورش توانایی‌های کارآفرینی آن‌ها تعقیب کند:

- آشناسازی دانشجویان با مفاهیم کارآفرینی و کسب و کار؛
- ایجاد فرهنگ و روحیه کارآفرینی؛
- معرفی الگوی موفق کارآفرینی؛
- انتقال دانش و مهارت‌های خاص کارآفرینی؛
- پژوهش در مقوله‌های کارآفرینی و آشنایی با تحقیقات صورت گرفته؛
- روش‌های راه اندازی کسب و کار؛
- کارگاه‌های آموزشی در زمینه خلاقیت، مذاکره، اخلاق، کسب و کار؛

استفاده از آموزش‌های حل مسأله: چنین آموزش‌هایی دانشجویان را به بالاترین سطوح یادگیری که همانا قضاوت و ارزش‌یابی است، می‌رساند. از این‌رو به برنامه‌ریزان آموزشی دانشگاه پیشنهاد می‌شود که شرایط تسهیل‌کنندگی را برای استادان کارآفرینی در این مراکز فراهم کرده تا آن‌ها بتوانند دانشجویان را با آموزش‌هایی نظیر نوشتن طرح تجاری کسب و کار، مدیریت کسب و کار، فرایند راه‌اندازی کسب و کار و غیره آشنا کنند؛ چرا که وجود روش حل مسأله در فرد کارآفرین بر باور به خودکارآمدی او تأثیر مثبت خواهد گذاشت.

اشاعه فرهنگ کارآفرینی: از آنجایی که رابطه مثبت و معنی‌داری بین هنجارهای جامعه و نیت‌های کارآفرینی در دانشجویان وجود دارد، از این‌رو توصیه می‌شود که دانشگاه با تکریم محققان و کارآفرینان، عوامل انگیزشی لازم را در دانشجویان به‌منظور استمرار و ارزش قائل شدن به فعالیت‌های خلاقانه به‌وجود آورد. همچنین بر نقش رسوم و ارزش‌های فرهنگی به‌عنوان یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر نیت‌های کارآفرینانه دانشجویان، تأکید شود.

تفکر خلاق: تفکر خلاق به توانایی دیدگاهی جدید برای حل مشکلات و درخواست متداوم برای کشف مسیرهای جدید پیشرو اشاره دارد. از این‌رو توصیه می‌شود در سر فصل دروس کارآفرینی به دانشجویان چگونگی استفاده از تفکر خلاق در کارآفرینی و ارتباط آن برای انعطاف‌پذیری و تطبیق‌پذیری با حوزه‌های تغییر و محیط، جهت ایجاد کسب و کار باور به خودکارآمدی آموزش‌های لازم ارائه شود.

کانون‌های کارآفرینی: با ایجاد کانون‌های کارآفرینی در مرکز، انجام خدمات حمایتی و مشاوره‌ای از سوی مدیریت مرکز فراهم شود تا با برقراری ارتباط با افراد موفق و کارآفرین و همچنین فراهم آوردن زمینه‌های برقراری تعاملات اجتماعی دانشجویان با یکدیگر در قالب کارهای گروهی، زمینه اعتماد و نگرش مثبت در دانشجویان درباره فعالیت‌های کارآفرینی فراهم شود (رحمانیان کوشککی و همکاران، ۲۰۱۲).

پیشنهادهایی برای بهبود برنامه درسی

الف) اهداف

- ۱- اهداف آموزش کارآفرینی برای دست‌اندرکاران، مدرسان و فراگیران واضح و شفاف باشد و از بیان اهداف کلی و غیرقابل دستیابی پرهیز گردد؛

- ۲- آموزش کارآفرینی باید ماهیت مبهم ورود به کسب و کار را روشن کند و هدف اساسی هر برنامه آموزش کارآفرینی باید ارتقاء شناخت فرصت‌ها در دانشجویان باشد و دانشجویان باید درباره توانمندی‌های حرفه‌ای خود به‌عنوان کارآفرین یاد بگیرند؛
- ۳- آموزش کارآفرینی باید با حمایت و پشتیبانی از نیروهای کارآفرین همراه باشد تا افراد با پشتگرمی و فراغت بیشتری فعالیت‌های کارآفرینانه را پیگیری نمایند.
- ۴- برنامه‌های آموزش کارآفرینی باید براساس نیازهای آموزشی افراد و مبتنی بر مدل‌های بومی باشد. این برنامه باید تلفیقی از تجربه، مهارت، دانش و توانایی را برای دانشجو به ارمغان آورد؛
- ۵- ضروری است برنامه‌های آموزش کارآفرینی مبتنی بر رویکرد میان‌رشته‌ای تدوین گردد و از نگاه تک درسی و یا ارائه فصلی تحت عنوان کارآفرینی به رویکرد مبتنی بر دوره یا رشته تغییر داده شود (رحمانیان کوشککی و همکاران، ۲۰۱۲).

ب) محتوای آموزش کارآفرینی

- ۱- محتوای آموزش کارآفرینی باید به گونه‌ای طراحی گردد که شناخت افراد را از مسائل اطراف خود بالا برد و قدرت تحلیل مسایل را به گونه‌ای متفاوت با دیگران به دانشجویان رشته‌های کارآفرینی عطا کند، همچنین قدرت تحلیل ریسک و شناخت فرصت‌ها را در آن‌ها بیش از پیش گسترش دهد.
- ۲- محتوای آموزشی باید به معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری در کشور، نیازهای بازار، مشتریان، کارفرمایان و بخش‌های مختلف اقتصادی و خدماتی پردازند و جرقه لازم را برای خلق ایده و تبدیل آن به ارزش در دانشجویان یا کارآفرینان آتی شعله‌ور نماید.
- راه‌اندازی و اداره کسب و کارهای کارآفرینانه از دیگر قابلیت‌های کارآفرینان بوده و انتظار می‌رود افراد با بهره‌گیری از دانش و مهارت‌هایی که در طی دوره‌های مهارت‌آموزی و آموزش کارآفرینی کسب می‌کنند، توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه برای راه‌اندازی و مدیریت کسب و کارهای کارآفرینانه را داشته باشند. از این‌رو در تدوین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی، لازم است موضوعاتی نظیر آشنایی با فرصت‌های کارآفرینانه و شرایط بازار، نحوه تهیه کسب و کارهای کارآفرینانه، مسائل حقوقی و مالیاتی، بازاریابی و به کارگیری نیروی کار مورد توجه قرار گیرد (لی و وونگ، ۲۰۰۵).
- محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی بر حسب مراحل مختلف توسعه فعالیت‌های کارآفرینانه متفاوت است. گارتنر و وسپر (۱۹۹۴) نوع مهارت‌ها و اطلاعات موردنیاز افراد برای موفقیت در مرحله

راه‌اندازی و آغاز فعالیت‌های کارآفرینانه را متفاوت از مهارت‌ها و اطلاعات موردنیاز در جریان اداره کسب و کارهای کارآفرینانه می‌دانند.

در همین ارتباط گیب (۱۹۹۳) محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی را متفاوت از دوره‌های آموزشی علوم تجاری و بازرگانی می‌داند. به اعتقاد وی در دوره‌های آموزش کارآفرینی باید از برنامه‌های درسی آموزش علوم بازرگانی و تجاری در موقعیت‌های کارآفرینانه استفاده شود. به اعتقاد کخ (۲۰۰۳) علی‌رغم توجه به برنامه‌های آموزش کارآفرینی در دهه‌های اخیر، هنوز برنامه پذیرفته شده‌ای برای آموزش کارآفرینان بالقوه وجود ندارد. بسیاری از برنامه‌ها براساس آزمون و خطا، براساس آزمون و خطا، براساس انواع پروژه‌های کارآفرینانه و یا بر مبنای بازخوردهای حاصله از فراگیران شرکت‌کننده در دوره‌های آموزش کارآفرینی تدوین شده است. ساکس و گاکلیو (۲۰۰۲) نیز با اشاره به ماهیت نسبتاً جوان و در حال تغییر مفاهیم کارآفرینی، دستیابی به توافق در مورد محتوای آموزش‌های کارآفرینی را امری غیرممکن می‌دانند.

روش تدریس آموزش کارآفرینی

همان‌گونه که محققان مختلف از طریق مطالعات و تحقیقات خود نشان داده‌اند، روش‌های سنتی آموزش (روش‌های منفعل)، شیوه مناسبی برای تقویت روحیه کارآفرینی و آموزش محتوای کارآفرین نیست بنابراین توجه ویژه به شیوه‌های جدید (روش‌های فعال) از قبیل روش‌های پروژه، شیوه‌های تجربی و عملی و حل مسئله در تدریس کارآفرینی از ملاحظات اساسی است که باید مدنظر قرار گیرد؛

افرادی که دوره‌های کارآفرینی را تدریس می‌کنند خود باید کارآفرین باشند، زیرا که به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های دریا را. کارآفرینان به دلیل این‌که خود دستی بر آتش داشته‌اند بهتر از هر کس دیگری قادرند چگونگی شناسایی، شکار و مدیریت فرصت‌ها را به سایرین انتقال دهند و زمینه شکوفایی استعدادها و فرصت‌های پیش روی هر یک از افراد را فراهم سازند. این امر به‌ویژه در عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات که ماهیت و تنوع فرصت‌ها و محدودیت‌ها به نوبه خود از پیچیدگی و چالش‌های متفاوتی برخوردار است از اولویت و اهمیت بیشتری نیز برخوردار است (همان).

شیوه ارزشیابی آموزش کارآفرینی

زمانی که اهداف دوره‌های آموزش کارآفرینی با نگاهی دقیق و موشکافانه تعریف گردند زمینه ارزشیابی دوره‌ها مبتنی بر اهداف، سهل‌تر خواهد بود بنابراین ضروری است برای بررسی میزان دستیابی به هر دسته یا گروه از اهداف، معیارها و شاخص‌های لازم شناسایی و تعریف گردند. در ارزشیابی‌های آموزشی علاوه بر روش‌های نظری مانند کسب نمرات و گذراندن دروس کارآفرینی تلاش شود بیشتر از شیوه‌های عملی و پروژه از قبیل نوشتن طرح‌های کسب و کار متناسب با نیاز کشور همراه با امکان سنجی عملی طرح‌ها استفاده شود. به‌منظور اطمینان از اثربخشی دوره‌های آموزشی، میزان شروع کسب و کار جدید و یا راه‌اندازی کسب و کار توسط فارغ‌التحصیلان دوره‌های آموزش کارآفرینی می‌تواند به‌عنوان معیاری برای ارزیابی اثربخشی آموزش‌ها مدنظر قرار گیرد (شرفی و همکاران، ۲۰۱۲).

چالش‌های آینده آموزش کارآفرینی: افرادی که در زمینه آموزش کارآفرینی به فعالیت می‌پردازند، باید بیش از یک محرک، نقش ایفا کنند. امروزه، پس از گذشت چندین سال از شروع جریان مربوط به کارآفرینی، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که این رشته از دیگر زمینه‌ها متمایز است، باید با نگاهی متفاوت به آن نگریست و پذیرفت که این جریان وارد روند کلی و روزمره اقتصادی شده است. شاید بزرگ‌ترین تهدید برای این افراد نظیر افرادی که با اقتصاد درگیرند این باشد که به روند و جریان تغییراتی که روی می‌دهد، بی تفاوت هستند. چند عامل وجود دارد که باعث بروز مسائل و مشکلاتی در این زمینه خواهد شد، همان‌طور که در زمینه اشتغال این مسائل روی داده است، مسائلی چون پای‌بندی به گذشته و حفظ شیوه‌های قدیمی و بی‌اعتنایی به چالش‌هایی که در بین نسل جوان‌تر و نسل قدیمی و با تجربه‌تر وجود دارد. با این پیش زمینه ذهنی، به مواردی از چالش‌های امروزی که در مورد موضوع آموزش کارآفرینی وجود دارند، اشاره می‌شود.

الف) کمبود تعداد دانشکده‌های کارآفرینی

این موضوع دو مشکل عمده را شامل است: اولین مشکل به کمبود دانشکده‌های کارآفرینی مربوط می‌شود که در تمامی رده‌های دانشگاهی محسوس است و دومین مسأله در مورد فقدان مقاطع تحصیلی بالا (کارشناسی‌ارشد و دکتری) در این رشته است که خود باعث می‌شود تا از داشتن دانشکده‌ای که کاملاً مربوط به رشته کارآفرینی است محروم بود. البته باید به این نکته اشاره کرد که

برای داشتن دوره‌هایی در مقطع دکتری کارآفرینی به‌وجود مؤسسات آموزش بازرگانی بیشتری نیاز است.

ب) چالش فناوری

در سال ۲۰۰۲ میلادی سالمن و همکاران وی در بررسی‌های گسترده خود در زمینه آموزش کارآفرینی با چالشی جدید در مورد مسئله فناوری و استفاده از آن روبرو شدند. موضوع جالب این است که آنان با استفاده از اطلاعات به‌دست آمده درباره آموزش کارآفرینی به‌این نتیجه رسیدند که یک گرایش منفی در مورد استفاده از فناوری روز در زمینه آموزش وجود دارد. این اطلاعات نشان می‌داد که تنها ۲۱ درصد از مراکز آموزشی برای ارائه دروس مربوط از فناوری آموزش از راه دور کمک گرفته‌اند. آموزش کارآفرینی رشته‌ای نیست که بتوان آن را از گردونه خارج کرد. این رشته روز به روز پخته‌تر و تأثیر گذارتر می‌شود. باید فناوری روز را شناسایی کرد و از آن در نظام آموزشی این رشته سود جست. آموزش کارآفرینی می‌تواند در بسیاری از جهات نظام آموزشی را متحول کند (مارکمن، ۲۰۰۵).

پ) وضعیت ناپایدار رهبران اجرایی

در طول ۲۵ سال گذشته رشته کارآفرینی در دانشگاه‌های کشورهای مختلف در تمامی جهات رشد بسیار چشم‌گیری داشته است ولی با این حال هنوز حمایت‌هایی که در سطح جامعه دانشگاهی از این رشته صورت می‌گیرد بسیار پراکنده است. عامل اصلی این مسئله تغییر و تحول مدام این حمایت‌ها و البته تغییر دیدگاه‌هایی است که در قبال کارآفرینی وجود دارد، رؤسای دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها به‌صورت دائمی در حال عوض شدن در بین مراکز آموزشی هستند و طبیعی است هنگامی که رئیس تغییر می‌کند، نوع نگرش و دید نیز تغییر خواهد کرد. برنامه‌های آموزشی و دروس این رشته به‌خاطر وجود رؤسای گوناگونی که هر کدام اندیشه خاص خود را دنبال می‌کردند زبان‌های زیادی را متحمل شده‌اند.

ج) چالش محوری بودن

قبلا به این موضوع اشاره شد که بسیاری از برنامه‌های آموزشی رشته کارآفرینی تنها به‌وسیله یک استاد یا راهنمای رشته آغاز شد یا حتی ادامه پیدا کرد. بسیاری از منتقدین روی این مسأله بحث می‌کنند که چون بسیاری از برنامه‌های آموزشی تنها حول محور یک نفر و دست‌ورالعمل‌ها و

راهکارهای او می‌چرخد پس کارآفرینی رشته‌ای ضعیف است. اما این موضوع جزو نقاط قوت محسوب نمی‌شود. انگیزه و شور و هیجانی که در این اساتید وجود دارد در واقع نشان‌دهنده وجود احساسات اصیل و ریشه‌دار در بین اعضای این رشته آموزشی است. چرا که هر کدام از این اساتید دروس یا برنامه آموزشی ویژه‌ای را پی‌ریزی کرده‌اند که امروز هر یک از آن‌ها در مراکز آموزشی جزو دروس مهم و اصلی هستند. این ویژگی که باعث متفاوت بودن و البته نوآوری در رشته کارآفرینی شده است در هیچ رشته دیگری، به این صورت نمود و جلوه ندارد (علی‌میری، ۲۰۰۹).

چ) عدم طراحی مناسب دوره‌های آموزش کارآفرینانه

برنامه‌ریزان و متخصصان آموزشی و درسی معتقدند که به‌منظور تدوین، طراحی و اجرای یک دوره آموزشی می‌بایست مراحل منظمی را طی نمود تا به نتیجه موردنظر رسید. این مراحل که با نیازسنجی و تعیین هدف شروع شده، سپس با تعیین کردن محتوای دوره و انتخاب روش‌های تدریس و اجرای دوره به پیش برده می‌شود و سپس در پایان دوره و یا در سال‌ها بعد از دوره، ارزشیابی صورت می‌گیرد تا میزان دستیابی به هدف تعیین گردد، برای دوره‌های آموزشی الزامی است. اما در کشور ما و در دانشگاه‌ها دوره‌های کارآفرینی بدون در نظر گرفتن مراحل فوق یا حداقل بدون هماهنگی اجرا می‌گردد. از این رو دوره‌ها به اهداف موردنظر نمی‌رسد (فتحی و اجارگاه، ۲۰۰۶).

ح) چالش‌های درونی و ناشی از محیط

کارآفرین برای راه‌اندازی کسب و کار، ابتدا با خود دچار چالش شخصی می‌شود (آیا می‌توانم کارآفرین شوم؟)، و سپس با چالش‌های اجرای طرح تجاری خود مواجه می‌شود، مسائلی نظیر این که چگونه به کسب دانش، اکتشاف و ارزیابی فرصت‌ها و جمع‌آوری منابع بپردازد. محتویات نظام آموزشی برای کارآفرینان باید به گونه‌ای باشد که کارآفرین را به درک کارآفرینی برساند. هموارسازی چالش‌های ثانویه در کارآفرینان، تا حدی با نظام‌های آموزشی مرتبط می‌گردد. زیرا این مفاد و محتویات نظام آموزشی است که کارآفرین را برای درک تغییرات آینده و عوامل تغییر آینده آماده می‌کند (وانگلیس، ۲۰۰۷).

خ) ضعف تئوریک در نظام آموزش

در طول مرحله آموزش کارآفرینی اتفاقات خاص می‌تواند الهام بخش بوده و بنابراین پاسخ به شور و هیجان یا تمایل شدید، ایجاد سوال باشد. دوره‌های آموزشی کارآفرینی که هم اکنون بیشترین تأکید

در مورد آن در مقاطع دانشگاهی است، بهتر است به گونه‌ای باشد که تسهیل‌کننده پاسخ‌های مناسب و منطقی و تئوریک برای کارآفرینان پرشور بوده و یا حداقل زمینه را برای دریافت پاسخ به کارآفرین آماده سازد (وانگلیس و همکاران، ۲۰۰۷).

د) فناوری در دانشگاه

یافته‌ها نشان می‌دهد که فناوری دانشگاهی نقش کلیدی در توسعه اقتصادی در میان ساختارهای متفاوت بازی می‌کند و در راستای استراتژی‌های انتقال برای همبستگی سطوح مختلف جهت شکل‌دهی فعالیت‌های جدید قابلیت اجرا را دارد. فناوری دانشگاهی به‌عنوان فناوری میانی و تعدیل‌کننده عمل کرده و واسطه‌ای برای انتقال فعالیت‌های دانشگاهی به برنامه‌های سازمانی هستند. هنوز نقش تئوری‌ها و تحقیقات بر دوایر انتقال فناوری دانشگاهی در انکوباتورهای کسب و کار و شکل‌دهی اقدامات جدید کم‌رنگ است.

ذ) ارتباط با جامعه

کارآفرینی بر اساس نظر «آلدریچ» و «زیمره» فرآیندی محسوب می‌شود که در شبکه متغیری از روابط اجتماعی واقع شده است، این روابط اجتماعی می‌توانند رابطه کارآفرین را با منابع و فرصت‌ها، محدود و یا تسهیل نمایند. این شبکه عبارتست از مجموعه تمامی افرادی که از طریق خاص با یکدیگر ارتباط دارند و می‌توانند این پنج نقش مهم را در فرایند تأسیس شرکت‌ها ایفا نمایند: بالا بردن انگیزه، برانگیختن فکرها، تسهیل تبدیل فکر به یک طرح واقعی، ارائه کمک علمی، حمایت و پشتیبانی (احمدپور، ۲۰۰۱).

ر) اعضای هیئت علمی

در مورد این مسئله دو مشکل همزمان وجود دارد. نخست، فقدان نخبگان کارآفرینی در جمع اعضای هیئت علمی و دیگری فقدان برنامه‌های دکتری برای پرورش نخبگان جهت فعالیت در عرصه کارآفرینی. برای توسعه برنامه‌های سالم و کارآمد در عرصه کارآفرینی در تمام سطوح کارشناسی، کارشناسی‌ارشد و دکتری به مراکز آموزش واجدالشرایط احتیاج داریم. هرچند در دنیا تعداد دانشکده‌هایی که دوره‌های کارآفرینی را ارائه می‌کنند افزایش می‌یابد، با این حال کمبودها در زمینه تعداد اعضای هیئت علمی با کیفیت در مقطع دکتری و حتی در سطح مربی‌گری که صرفاً فعالیت‌شان

در رشته کارآفرینی باشد، احساس می‌شود و این چالشی جدی است که آموزش‌های کارآفرینی در نظام آموزشی را تهدید می‌نماید.

ز) امر پژوهش در حوزه کار آفرینی و آموزش آن

چالش دیگر آن است که با وجود تعداد زیاد مجلات تخصصی، مقاله‌های با کیفیت در بین آنها کمتر به چشم می‌خورد. هنوز سطح فعالیت گروه‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها کم است و این خلاء با انجام پروژه‌های تحقیقاتی بیشتر و توسعه مجلات موجود از لحاظ کیفی و کمی قابل رفع است. حقیقت این است که عامل پیشرفت مراکز آموزش کسب و کار، تحقیقات می‌باشد. بنابراین، تحقیقات کاربردی در کارآفرینی باید به‌عنوان یک امر مهم به‌صورت جدی پیگیری شود.

ژ) شکاف بین مراکز کسب و کار و دانشگاه‌ها

با وجود تلاش‌های فراوان، هنوز در آموزش‌های کارآفرینی شکافی میان کسب و کار و مراکز علمی باقی‌مانده است. استفاده از تجربیات مستند کارآفرینان در آموزش‌های آکادمیک و در نظر گرفتن برنامه‌های آموزشی مدون و مرتبط با کسب و کارهای مورد علاقه کارآفرینان در دانشگاه‌های کارآفرینی باعث تعامل هر چه بیشتر این دو گروه و در واقع یکپارچه‌سازی آنها می‌گردد.

س) تأمین مالی

در واقع مشکل همه کارآفرینان این است که چگونه تأمین مالی بشوند. به‌همین جهت در دانشکده‌ها دروس مختلفی نظیر راهبردهای بازاریابی در شرکت‌های نوپا، حسابداری و مالیات‌بندی در شرکت‌های نوپا و اقتصاد کارآفرین‌ها تدریس می‌شود.

ش) تغییر مدیران به مثابه تغییر ارزش‌ها

در سال‌های اخیر، شاهد رشد مضاعف کارآفرینی بوده‌ایم، اما حمایت اداری در دانشگاه‌ها در بهترین حالت‌ها، گاه و بیگاه بوده است. مدیران دانشگاه‌ها، دانشکده‌ها و معاونان آنها به‌طور مداوم در دانشگاه‌ها تغییر می‌کنند و با تغییر جایگاه آنها، بینش‌ها و دیدگاه‌های استراتژیک عوض می‌شود. دوره‌ها و برنامه‌های کارآفرینی به واسطه فلسفه‌های متفاوت مدیران ارشد در دانشگاه‌ها، متحول می‌شوند. هنگامی که ما نمی‌توانیم یک شرایط شبیه‌سازی شده را به کارآفرین ارائه نماییم، می‌توانیم زمینه کارآفرینی را در مؤسسات به‌عنوان رهبر به آنها نشان دهیم.

ص) خطرپذیری فراگیران- ایمنی اعضای هیئت علمی

خطر یا ریسک، برای یک کارآفرین تفاسیر و مفاهیم فراوانی دارد و ممکن است مفهوم مالی، شغلی، خانوادگی، اجتماعی یا روانی داشته باشد. در هر صورت ریسک مفهوم مهمی در فرآیند کارآفرینی دارد. درست است که کارآفرینان، میزان خطرپذیری را محاسبه می‌کنند، اما تقویت خطرپذیری باید به‌عنوان بخشی از برنامه آموزشی باشد.

ض) ارزیابی برنامه‌های آموزش کارآفرینی

مطالعات درباره ارزیابی برنامه‌های آموزشی کارآفرینی مستقل (مثل تمایلات کارآفرینانه) یا خلق فعالیت اقتصادی و بقاء آن بسیار مهم و در عین حال چالش برانگیز است. چنین مطالعاتی باید متغیرهایی چون مقدار منابع موردنیاز، میزان درگیری دانشجویان (شراکت در کارهای تیمی)، تأثیرات ایده‌های کسب و کار و وضعیت منطقه عملیاتی را در نظر گیرند. در نهایت می‌توان گفت آموزش کارآفرینی بسیاری از ابهامات تأسیس شرکت جدید را طی فرآیند پرورش رویکرد ذهنی هموار می‌کند و از مطالعات طولی- کیفی به‌عنوان ابزاری برای ارزیابی و درک بیشتر پدیده‌های کارآفرینی (به دانشجویان) استفاده می‌نمایند (ایمانی، ۲۰۱۰).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

شواهد نشان می‌دهند که آموزش‌های رسمی در کشور ما به‌دلیل ضعف‌های ساختاری بستر مناسبی برای کسب تخصص و پرورش نیروهای کارآفرین به‌وجود نمی‌آورد. از طرف دیگر کارآفرینان و نیروهای مستعد و خلاق نیز به‌دلیل نبود یک نظام کارآمد آموزش کارآفرینی نمی‌توانند به‌کار خود ادامه دهند. پر کردن این شکاف نیازمند پرداختن به آموزش کارآفرینی است. کارآفرینی کشاورزی به‌عنوان یک رویکرد اساسی و موازی با اهداف توسعه روستایی و کشاورزی می‌تواند کمک شایانی به توسعه و پیشرفت روستاها و در نتیجه کشور بنماید. این در حالی است که آموزش کارآفرینی کشاورزی در کشور ما همانند سایر کشورها با محدودیت‌هایی مواجه هست. بر اساس نتایج این مقاله برنامه‌های آموزش کارآفرینی با محدودیت‌های اساسی در جهان مواجه هست که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به فقدان درک عمومی نسبت به آموزش کارآفرینی، برنامه‌های آموزشی نامناسب و کمبود مربیان و مدرسان با تجربه کارآفرینی اشاره کرد.

- در زمینه بهبود آموزش‌های کارآفرینی در حوزه کشاورزی موارد زیر پیشنهاد می‌شود:
- ۱- دوره‌های تخصصی کارآفرینی متناسب با رشته‌ها و گرایش‌های تخصصی دانشجویان در دانشگاه‌ها برگزار گردد.
 - ۲- در انتخاب روش‌های آموزشی دوره‌های آموزش کارآفرینی از شیوه‌های عملی استفاده شده و حتی‌الامکان انتخاب محتوای آموزشی و برنامه‌های درسی مطابق علایق و نیاز دانشجویان باشد.
 - ۳- بر اساس اولویت‌های به‌دست آمده توصیه می‌شود جهت تنوع دوره‌های آموزش کارآفرینی در دانشگاه‌ها از مربیان یا اساتید با تجربه در زمینه آموزش‌های کارآفرینی استفاده شود.
 - ۴- پیشنهاد می‌شود به‌منظور تقویت و توسعه فرهنگ کارآفرینی به‌طور ادواری سمینارهای علمی و کارگاه‌های تخصصی در سطح دانشگاه برگزار گردد.
 - ۵- به‌منظور ترغیب دانشجویان به موضوع کارآفرینی دستورالعمل‌های تشویقی در سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های آتی دانشگاه و دستگاه‌های اجرایی تبیین گردد.
 - ۶- با توجه به اولویت قرار گرفتن موضوع تناسب با محتوای برنامه‌های کارآفرینی با علاقه و نیاز دانشجویان، تشکیل کمیته نیازسنجی علمی به‌منظور تعیین محتوای برنامه‌های آموزش کارآفرینی با توجه به علاقه دانشجویان و نیازهای فعلی بخش کشاورزی پیشنهاد می‌شود.
 - ۷- شایسته است که اعضای هیأت علمی دانشگاه با موضوع کارآفرینی آشنایی بیشتری پیدا نموده و نظر ایشان به مفاهیم ایده‌پردازی در تدریس و تقریب فرآیندهای آموزشی و پژوهشی جلب شود.
 - ۸- طبق نظر دانشجویان به‌منظور حفظ روحیه کارآفرینی، دانشگاه می‌تواند بازدیدهای میدانی را از برخی مؤسسات و شرکت‌های غیردولتی موفق کارآفرین برای ایشان در طول ترم‌های تحصیلی برگزار نماید.
 - ۹- راه‌اندازی پایگاه اینترنتی و پورتال کارآفرینی کشاورزی می‌تواند نقش به‌سزایی در زمینه افزایش اطلاعات و به‌روزرسانی دانش کارآفرینی و نیز دسترسی سریع دانشجویان به اطلاعات ایفا نماید.
 - ۱۰- پیشنهاد می‌شود واحدهای درسی در زمینه کارآفرینی در دانشکده‌های کشاورزی برای دانشجویان رشته‌های کشاورزی در نظر گرفته شود.

منابع

1. Fayolle, A., and Gailly, B. 2008. From craft to science: Teaching models and learning processes in Entrepreneurship education. *Journal of European Industrial Training*, 32(7): 569-593.
2. Gallaway, L. 2005. Enterprise skills for the economy. *Education and Training*, 47(1): 7-17.
3. Gibb, A. 1987. Enterprise culture- Its Meaning and Implications for Education and Training. *Journal of European Industrial Training*, 2(11): 38.
4. Gorman, G., and Hanlon, D. 1997. Some research perspectives on entrepreneurship education, enterprise education and education for small business management: a ten-year literature review. *International Small Business Journal*, 15(3): 56-78.
5. Higgins, M., and Morgan, J. 2000. The role of creativity in planning: the creative practitioner. *Planning Practice and Research*, 15(1): 112-128.
6. ILO. 2006. *Stimulating Youth Entrepreneurship: Barriers and Incentives to Enterprise Start-Ups by Young People*. Geneva: ILO Publications.
7. Katz, J.A. 2003. The chronology and intellectual trajectory of American entrepreneurship education. *Journal of Business Venturing*, 18(2): 283-300.
8. Movahedi, R., and Yaghoubifrani, A. 2012. *Introduction to rural entrepreneurship*. Bu Ali Sina University Press. (In Persian)
9. Mwasalwiba, E.S. 2008. Entrepreneurship education. A review of its objectives, teaching methods, and impact indicators. *Education Training*, 52(1): 20-47.
10. Potter, Janathan. 2008. Entrepreneurship and Higher Education: Future policy Directions. *OECD Education and Skills*, 18: 313-315.
11. Rabinson, P., and Hayes, M. 1991. Entrepreneurship education in Americas major universities. *Journal Theory and Practice*, 15(3): 41-52.
12. Rabbior, Gary. 1990. *Elements of a successful Entrepreneurship/ Economics/ Education program*. Entrepreneurship Education: current Developments, future Direction. Ed. Calvin A. Kent. New York: Quorum Books.
13. Rahmaniyan Kooshkaki, M., Chizari, Muhammad., Hawass, A. 2012. Factors affecting students' entrepreneurial intention s Agricultural Ilam University. *Journal Entrepreneurship Development*, 15: 125-144. (In Persian)
14. Sexton, D.L., and Upton, N.E. 1984. Entrepreneurship education: suggestions for increasing effectiveness. *Journal of Small Business Management*, 22(4): 18-25.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

Journal of Entrepreneurship in Agriculture Vol. 1(3), 2015

<http://jead.gau.ac.ir>

Formal entrepreneurship education programs on agriculture: obstacles, problems and solutions

R. Movahedi¹, *M. Samian² and Kh. Heidari Trazak³

¹Associate Prof., Dept. of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural, Bu-Ali Sina University, ²Ph.D. Candidate, Dept. of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural, Bu-Ali Sina University, ³M.Sc. Graduated, Dept. of Agricultural Extension and Education, Faculty of Agricultural, Bu-Ali Sina University

Received: 1/4/2015 ; Accepted: 3/6/2015

Abstract

Entrepreneurship is one of the key solutions for unemployment and developing entrepreneurial activities in agricultural sector as one of the key economic sectors of the country. Evidences show that formal education in our country does not create a proper situation to train potential entrepreneurs or the expertise students because of structural weaknesses. On the other hand, entrepreneurs and potential man powers could not continue their task because lack of an effective entrepreneurship education system. Bridging this gap needs to pay attention to entrepreneurship education. Agricultural entrepreneurship as a significant approach that may operate parallel to agricultural and rural development purposes can considerably help to develop and to progress the agriculture and finally the country. Therefore this paper with a library research tries to review on entrepreneurship education program, its importance and some solutions in agricultural sector. Eventually, according to the results some solutions have been drawn to solve the problems both in long term and short term.

Keywords: Entrepreneurship obstacles, Agricultural entrepreneurship, Entrepreneurship education, Agricultural development

*Corresponding author: masoud.samian@yahoo.com

